ابنیهٔ باستانی

آذربایجان

بقلم

اسماعیل دیباج

ابنیه و آثار باقیمانده از ساکنین قدیم آذربایجان شاهد زنده وزبانداری از هنرمندی و نموداری‌ازتمدن‌ریشه دارواصیل مردم این دیار بشمار میرود.

بناهای قدیمی و تاریخی آذربایجان که تا اندازه‌ای از حوادث مصون مانده‌اغلب‌ازآثار دورهٔ ایلخانان مغولی ایران و صفویه بوده وحاوی شاهکارهای معماری وتزئینات وکاشیکاریهای ذیقیمت میباشند.

در دورهٔ مغول هر چند که پس‌ازمدتها قتل وغارت وویرانی درقلمرو خوارزمشاهی عده‌ای‌از ایلخانان و فرمانروایان مغولی هواخواه‌ودوستدارصنعت شده و بعضیها مساجد و مقابر و بناهای

دیگری‌ازخود بیادگار گذاشته‌اند ، ولی بعدها برخی ازاین ابنیه دراثرعدم علاقه وتوجه ویا حوادث دیگرازبین رفته وفقط اززمان غازان خان ببعد که دورهٔ تجدد صنعتی وپیروی ازآثار گذشته شروع شده است بناهائی‌مانند : مسجد علیشاه یا ارك تبریز (بین سالهای ۷۱٦ و ۷۳٦ ه ق) ـ مسجد کبود تبریز (۸۷۰ ه ق) ـ گنبد غفاریه ودوسه بنای دیگر درمراغه (بین سالهای ٥٤۲ و۷۲۸ ه ق) محراب مسجد جامع مرند(۷۳۱ ه ق) ومحراب مسجدجامع رضائیه (۷٦۷ه ق) باقیمانده که نمونه‌ای ازآثار معماری وصنعتی دورهٔمزبور بشمار میرود .

علاوه بربناهای نامبرده دربالا ابنیهٔ دیگری را مانند :

مسجداستاد شاگرد ـ مسجد حسن پادشاه ـ مقبرهٔ سیدحمزه ـ مقبرهٔ صاحب‌الامر درتبریز ـ مسجد جامع رضائیه ـ مسجد جامع مرند میتوان‌نام برد که دراثرزلزله و یامرور زمان ویران گشته وبعدها مردم خیرونیکوکار تجدید بنانموده‌انـد ولی متأسفانه در نتیجهٔ عـدم توجه درنگهداری آثار باقیمانده درتعمیرات بعدی اغلب فاقد خصوصیات تاریخی وصنعتی میباشند.

ضمناً بناهای باعظمتی مثل : ربع رشیدی تبریز (٦٤٥-۷۱۸ ه ق) شنب غـازان تبریز (٦۹٤-۷۰۳ ه ق) ـ رصدخـانهٔ مراغه (٦٤۸ ه ق) وبرج کبود (گوی برج) مراغه (یکی از مزارهـای مراغه واقع درکوچه سبزیچیان که درسال ۱۳۱۷شمسی خراب شده‌است) بکلی فروریخته وازبین است که دربارهٔ وضع سابق بعضی ازآنها بمنظور معرفی موقع وتاریخ بنا اطلاعات ومطالبی با مراجعه به‌نوشته های مورخین وسیاحـان دراین مقاله از نظرخوانندگان گرامی خواهد گذشت .

بنا های تاریخی
باقیمانده در آذربایجان
از دورهٔ ایلخانان مغول

١ ــ گنبد سرخ مراغه
(٥٤٢ هـ ــ ١١٤٧ م)

گنبد سرخ ازقدیمترین مزارهای مراغه است که درقسمت جنوبی شهرو سمت غربی جادهٔ هشترود واقع وبشکل‌چهار پهلو بضلع ٨/٤٠ مترمیباشد . ازارهٔ بنیان آن ازیك نوع سنگ سفید ودیوارهای اصلی باآجر وملات گچ وشن ساخته شده است .

این بنا که مطابق کتیبهٔ باقیمانده در١٥ شوال ٥٤٢ هجری ساخته شده است مانند سایر بناهای دورهٔ ایلخانان مغول بعنوان مزار ساخته شده که در قسمت بالای آن محوطهٔ اطاق مانند مخصوص بانجام مراسم نیایش و درزیر آن دخمه‌ای برای دفن اجساد قرار گرفته است .

قسمت بالا اطاق چهار پهلوئی است بضلع ٥/٩٥ متر که برسکوی بلندی قراردارد ودیوارهای داخلی آن‌تماماً باآجر قرمزرنگ ساخته شده‌وبا گنبد مقرنسی پوشیده شده است .

باملاحظه ودقت درآثار وآجرکاری‌باقیمانده دندانه یاشرفهٔ بالائی‌نمای خارج معلوم میشود که این بنادر اول پوششی بشکل هرم شمن داشته وفعلا بغیرازقسمتهای پائین آن چیزی باقی نمانده است .

نمای خارجی هر پهلوی قسمت بالای بنادارای دوطاق نما با حاشیهٔ کتیبه‌داری است بغیر ازنمای شمالی که یك طاق‌نما بوده ودرگاه مدخل‌بنا به بلندی۱/٥٠ متر(هفت‌پله) از کف محوطه اطراف بنادروسط آن‌قرار گرفته است .

دراطراف این بدنهٔ بالای درگاه مدخل بنا که پرازنقش ونگارتخمیری

مرکب از نقش و نگار هندسی از آجر و کاشی است کتیبه‌ای بخط کوفی بشرح زیر خوانده میشود :

« امر بناء هذه‌القبه‌الامیر الرئیس فخرالدین عمادالاسلام قوام‌آذربایجان ابوالعزعبدالعزیز محمودبن‌سعید یدیم‌الله علاه»

در بالای کتیبهٔ مذکور در یك سطر افقی چنین نوشته شده :

«بنی‌المشهدفی‌الحادی عشرمن‌شوال سنه اثنین واربعین وخمسمائة»

درحاشیه دوپهلوی کتیبهٔ تاریخ‌بنا آیاتی‌ازقرآن مجید و نام بنا(محمدبن بندان البناء بن‌المحسن معمار) نوشته شده است .

این بنامزار شخص مجهولی بوده‌ولی با مطالعه کتیبهٔ بالای درگاه‌چنین معلوم میشود که با دستور عبدالعزیز یکی ازحکمرانان مراغه که لقب‌قوام یارئیس آذربایجان داشته ساخته شده است .

بنای تاریخی گنبد سرخ دراثر مصون ماندن ازخرابکاری و استحکام بنا وهمچنین در نتیجهٔ تعمیراتی که با تصویب اداره کل باستانشناسی ازسال ۱۳۲۱شمسی باینطرف‌بعمل‌آمده نسبت بسایر ابنیهٔ مراغه‌آبادترمانده است .

۲ ــ مقبره بشکل دایره مراغه (٥٦۳ هـ ــ ۱۱٦۷ م)

این بنا بشکل دایره باآجرهای مخصوص ساخته شده و در مجاورت گنبد کبود، درمحوطه پشت عمارت یکی‌ازآموزشگاههای‌مراغه واقع‌ومانند بناهای دیگر روی سکوئی بلند ودخمهٔ عمیق قرار گرفته است .

از گنبدوسقف‌و کتیبه‌های‌مربوط بنام صاحب‌مزار وسازندهٔ بنا فعلااثری باقی نمانده و فقط در بالای درگاه از کتیبه‌ای بخط کوفی بانقوش پیچیده‌از کاشیهای فیروزه‌ای جملات زیر خوانده میشود :

« کل نفس ذائقةالموت تم‌النباء برجب»

« سنه ثلث و ستین و خمس مائة »

۳ ــ سه گنبد رضائیه
(۵۸۰ هـ ــ ۱۱۸٤ م)

بنای سه گنبدعبارت ازمقبره‌ایست‌بشکل‌برج که درجنوب شرقی‌آبادیها ومحلات شهررضائیه واقع وطبق نظریات باستانشناسان‌درسال ۵۸۰ هجری بنا شده است.

این بنا تقریبا شبیه به بنای مزارهای قدیمی شهرمراغه‌میباشد که‌درنتیجه عدم مراقبت وخرابیهای وارده قسمت عمده خطوط و نقوش آن ریخته واز بین رفته‌است.

درسالهای اخیر باتوجه اولیاء امور نسبت به نگهداری باقیمانده آثار این‌بنا بانجام تعمیرات ضروری ومرمت‌قسمت‌های خراب‌شده وریخته‌ازسنگ‌ـ های نما وبنیان طبق‌نظر کارشناسان بسبک قدیمی واصلی‌ازطرف اداره کل آموزش وپرورش استان چهار اقدام‌شده است.

راجع بوجه تسمیه (سه گنبد) بعضی‌ازمورخین قایلند که دوبنای‌دیگر نیزدرمجاورت دیهی بنام چهریق(بخش شاهپور)وجودداشته که‌مجموعه‌این سه بنارا درقدیم سه گنبدمینامیده‌اند.[۱]

٤ ــ گنبد کبود مراغه
(۵۹۳ هـ ــ ۱۱۹٦ م)

گنبد کبود شبیه به برج هشت پهلوی بلندی است که در محوطهٔ پشت عمارت یکی از آموزشگاههای دولتی در وسط شهر مراغه واقع و بغلط

۱ــ چهریق نام روستائی است از دهستان چهریق (بخش شاهپور از دهستان خوی‌ـ استان ٤) که‌در ۱۹ کیلومتری جنوب باختری‌قصبه شاهپور واقع ودر حدود ۳۵۰ نفر سکنه‌دارد .

دهستان چهریق درجنوب باختری بخش شاهپور ودر غرب مرز ایران‌وترکیه واقع‌و شامل ۳۰ آبادی بزرك وکوچك است‌ودرحدود سه‌هزارنفر سکنه کرددراراضی کوهستانی آن مشغول زراعت وگله‌داری میباشند.

بمقبرهٔ مادر هلاکو معروف شده است. زیرا مادر هلاکوخان [1] بنام سویورکوکتنی خاتون[2] مسیحی وخود هلاکو هم بودائی ومخالف با دین اسلام بوده و خیلی‌بعید بنظرمیرسد که مقبرهٔ مادر او را با خطوط و آیات قرآنی مزین نمایند.

در کنار سطوح جانبی پایه‌های ستون مانندی ساخته شده که مثل سطح خارجی طاق نماها با تزئینات تخمیری (مرکب از آجر وکاشیهای الوان) و خطوطی پوشیده شده که‌اغلب‌آنها بکلی از بین‌رفته است.

این بناهم مزار شخص مجهولی بوده ولی با تطبیق آثار باقیمانده با بنای مزارهای دیگرچنین معلوم میشود که پس از دورهٔ استقرار هلاکو در مراغه ساخته شده ودارای طاق‌بلندی است که برروی‌سکوی سنگی‌قراردارد و در زیرآن دخمه قرارگرفته است.

در دیوارهای اطاق بالائی آیاتی از قرآن مجید بخط نسخ گچ‌بری گردیده وهمچنین روی‌سنگی که در دیوار داخلی طاق غربی‌نصب نموده‌اند دوآیه از سورهٔ ۵۵ قرآن بانقوش بسیارزیبا حجاری شده است.

نظر به‌اینکه ازچند سال قبل شکافی در قسمت بالائی طرف‌جنوبی‌بدنهٔ این بنا تولید گشته و احتمال ریزش وخرابی قسمت بزرگی میرفت‌نگارنده در اسفندماه سال۱۳۲۱ خورشیدی طبق دستوراداره‌ٔکل باستانشناسی‌بمراغه عزیمت کرده وپس‌از بازدیدکامل نسبت‌به‌نصب ستونهای لازم برای‌جلوگیری از ریزش قسمتهای شکسته اقدام و در سالهای بعد طبق برنامه تنظیمی به کلاف‌بندی بوسیلهٔ میله‌های‌آهنی وپوشش سقف بناباخرپا و آهن ورقی‌اقدام و تعمیرات ضروری بتدریج انجام داده شده‌است.

---

۱ ـ هلاکو (هولاکوخان) نوادهٔ چنگیزخان مغول از طرف برادرش منکوقاآن (پسرتولیخان) مأمور سرکوبی بقایای امراء وحکام نواحی آسیای غربی گردیده وبعداز قلع وقمع اسمعیلیهٔ ایران (٦٥٤ ه ق) وفتح شهربغداد وقتل‌المستعصم بالله آخرین خلیفهٔ عباسی (٦٥٦ ه ق) به‌آذربایجان برگشته شهر مراغه را پایتخت خود قرارداده است.

۲ ـ جلداول آثار ایران (صفحات ۵۹ـ٦٠ـ چاپ تهران درسال ۱۳۱٤خورشیدی)

۵ ـ ربع رشیدی تبریز

بناهای ربع رشیدی بین‌سالهای ٦٤٥ و٧١٨ هجری (١٢٤٧ - ١٣١٨م) بامر خواجه‌رشیدالدین‌فضل‌اله وزیر قازانخان درانتهای شمال‌شرقی (محلات فعلی باغمیشه وویلانکوه یاولیان کوه) روی دامنه های کوه سرخاب ساخته شده ویکی ازعمارات مجلل وزیبا وساختمان‌های‌باشکوه تبریز بوده‌است .

این محل ازحیث آب‌وهوا ازبهترین نقاط تبریز است‌وحمداله‌مستوفی‌در کتاب نزهت‌القلوب چنین نوشته :

«دربالای شهرتبریزوزیر سعیدخواجه‌رشیدالدین طاب ثراه بموضع‌ولیان کوه داخل‌باروی غازانخان شهرچهٔدیگر ساخته وآنرا ربع رشیدی نام‌نهاده وعمارات‌فراوات وعالی برآورده وپسرش وزیر عنایت‌الدین امیرمحمدرشیدی برآن عمارت بسیارافزوده‌است».

بعضی ازمورخین وسیاحان مانند : دولتشاه سمرقندی وشاردن سیاح فرانسوی که درسال ١٠٨٤ هجری قمری (١٦٧٣ م) بایران مسافرت کرده مطالبی درعظمت این عمارات وسیع نوشته وبه‌یادگار گذاشته‌اند .

بناهای مختلف ربع رشیدی عبارت بوده ازمسجد ومدرسه وبیمارستان ومهمانخانه وکتابخانه وضرابخانه وخانقاه ومقبره وکارخانه نساجی وکاغذ سازی متصل ومربوط بهمدیگر که‌حصاری بدورآنها کشیده‌بوده‌اند .

خواجه رشیدالدین فضل‌اله پسر عمادالدوله ابوالخیر از نویسندگان و مورخین عالیقدر ایران‌بوده وازدوره‌غازان‌خان تااوایل‌سلطنت ابوسعیدبهادر عهده دار مسند وزارت بوده است .

ازسال ٧١١ هجری قمری (١٣١١م)بامر سلطان‌محمدخدابنده‌تاج‌الدین علیشاه درامروزارت باخواجه شرکت نموده ولی پس‌ازچندی‌میان‌این‌دووزیر مخالفتهائی ظاهرشده تااینکه پس‌ازفوت اولجایتو سلطان محمد (٧١٦قمری-

۱۳۱۶م) برتخت سلطنت نشست‌سلطان ابوسعید بهادر[1] تاج‌الـدین علیشاه رقیب‌دیرینه خواجه‌رشید شروع به بدگوئی‌وسعایت درمحضرسلطان نمـوده‌و آنقدر باتهمتهای‌ناروادل‌سلطان‌را ازوی‌برگرداندتااینکه‌درهیجدهم‌جمادی‌ـ الاولی‌سنه۷۱۸هجری (۱۳۱۸م) بامر ایلخان این‌مرد نامی ووزیر بی‌نظیر بقتل رسید .

پس از کشته شدن خواجه عمارات ربع رشیدی بغارت رفته‌و در عرض چندسال با عدم توجه اولیاء امورروقت ویران گشته است بطوریکه امروزاز آنهمه بناهای زیبا وعالی جـز تلهای خاك‌وآثار کمی‌ازبنیان دوسه بارو از حصار اطراف درمیان مزارع چیزی دیده‌نمیشود .

٦ ــ رصد خانهٔ مراغه
(٦٤٨ هـ ــ ۱۲۵۰ م)

بنای‌رصدخانهٔ‌مراغه‌درسال۶۴۸هـ ق بنا بامرهلاکوخان‌وبدستورونظارت خواجه‌نصیرالدین‌طوسی وشرکت چندنفر از منجمین معروف روی یکی از تپه‌های شمالی‌شهر شروع و پس‌از پانزده سال باتمام رسیده است .

پس‌از تمام شدن بناهای مربوط برصد خانه بامر هلاکوخان کتب و آلات علمی و نجومی بسیار که‌ازفتح بغداد بدست‌آمده‌بود در آنجامتمرکز گردیده و زیج ایلخانی در این رصد خانه تدوین شده است .

این‌بنا تا سال ۷۰۳ هـ آباد بوده و در سال مزبور غازانخان ببازدید آنجا رفته است ولی از آن ببعد در اثر زلزله های سخت‌وعدم علاقه اولیاء امور وقت رو بخرابی گذاشته و فعلا بغیر از چندتل خاك و سنگ و آجر چیزی از آن باقی نمانده است .

---

۱ ــ ابوسعید بهادر خان (۷۱۷ ــ ۷۳۶ هـ.ق) آخرین پادشاه مقتدر مغولی ایران بوده‌وبدستیاری ذوذوای مدبری‌چون خواجه نصیرالدین فضل الله وخواجه علیشاه گیلانی وحدت حکومت ایلخانان مغولی ایران راکه درحال متلاشی‌شدن بود حفظ کرد .

بنای رصدخانه روی تپه بلندی در دو کیلو متر و نیمی شمال مراغه در وسط محوطهٔ مسطحی بوسعت تقریباً ده‌هزار متر مربع که بمناسبت دور بودن از کوههای بلند اطراف افق بازی دارد قرار گرفته بوده است [1]

در سرازیری سمت غربی تپهٔ مزبور که فعلا به کوه رصد خانه معروف است مشرف به آبادی کوچکی بنام طالب خان دخمه بزرگی در سنگ و خاك کنده شده که اهالی محل آنرا مربوط به بنای رصدخانه میدانند و حتی در بعضی از کتابها و فرهنگها این دخمه را که شخص مجهولی بمنظور قبر و آرامگاه برای خود درست نموده و بعداً متروك مانده است اشتباهاً به بنای رصد خانه نسبت داده‌اند .

۷ ــ محراب مسجد جامع رضائیه (٦٧٦ ه)

مسجد جامع رضائیه دروسط بازار واقع ودارای صحن بزرگ و مسجد وسیعی است که قسمت اصلی ووسطی آن با گنبد بلندی پوشیده شده است.[2]

دربعضی ازقسمتهای داخلی گنبد گچبریهاو کاشیکاریهای ظریف باقیمانده ومحراب زیبائی که نمونه‌ای از شاهکارهای صنعتی است به بلندی ۷/۸۲ متر وعرض ٥/٤۷ مترزینت بخش دیوارجنوبی میباشد.

---

۱ ــ با ملاحظه آثار باقیمانده سنگ و آجر دیوار ها چنین معلوم میشود که بنای دایره‌ای به قطر تقریبا بیست متر در وسط محوطه بالای تپه قرارگرفته بوده که از چهار طرف بوسیله پیاده روهای سنگ فرش شده بعرض دومتر و طول ٤۰تا ٥۰متر باطراف محوطه مربوط میشده و ضمنا باقیمانده آثار چند بنای کوچك دیگرهم درسمت جنوب شرقی وجنوب غربی بنای وسطی مشاهده میشود .

ضمنا در جلو طاق دخمه واقع در سرازیری سمت غربی تپه دهانه‌چاه یاراهروی زیر زمینی بنظر میرسد که فعلا پر شده و شاید از این محل راهی برای رسیدن به زیر بنای رصد خانه باز کرده بوده‌اند .

۲ ــ تاریخ بنای اولی این مسجد معلوم نیست ولی درسال ۱۱۸٤ ه از طرف مرحوم رضاقلیخان بیگلربیگی افشار تعمیر گردیده و علاوه بر این در سالهای اخیر نیز تعمیراتی طبق نظر کارشناسان فنی ازطرف اداره کل باستانشناسی واهالی خیر انجام داده شده است.

دروسط گچبریهای ظریف این محراب کتیبه هائی از آیات قرآنی باقیمانده وهمچنین کتیبه‌ای بین دوستون طرفین قسمت پائین محراب بشرح زیر موجود است.

(عمل عبدالمؤمن بن شرفشاه النقاش التبریزی فی شهر ربیع الاول سنه سته وسبعین و ستمائة)[1] این اثرباستانی که مورد تحسین وتمجید شخصیتهای علمی ودوستداران هنرهای زیبا میباشد در نتیجه ایمان وعلاقه استادکارتا بامروز پا برجا مانده است.

۸ ــ گنبد غفاریهٔ مراغه (۷۱۵ هـ ــ ۱۳۱۵ م)

گنبد غفاریه که درقسمت شمالی شهر مراغه و کناررودخانه صوفی‌چای واقع شده بنائی مربع و تقریباً شبیه به گنبد سرخ میباشد. این بنا هم مانندسایرمزارهای مراغه باآجرساخته‌شده و روی سکوی سنگی ودخمهٔ گودی قرار گرفته است.

سه پهلوی شرقی وغربی وجنوبی هریك دارای دوطاق نما است باحاشیه کتیبه‌دار ودر زاویه بین پهلوها ستونهائی ساخته‌اند که با تزئینات تخمیری ونقوش لوزی پخ پوشیده شده‌اند.

پهلوی شمالی دارای یك طاق نماست که درب اطاق بالائی در وسط آن قرار گرفته و در بالای طاق مدخل دوسطر کتیبه بخط ریحانی بنظر میرسد که قسمتی ازخط آن بشرح زیر خوانده میشود[2].

---

۱ ــ محراب گچ بری وزیبا وظریف درسال ٦٧٦ هجری بدست استاد ماهر بنام عبدالمومن فرزند شرفشاه تبریزی نقاشی وگچ بری شده ولی طبق اظهارنظر محققین تاریخ بنای اصلی مسجد قبل ازسال ٦٧٦ هجری میباشد.

۲ ــ نظر بر اینکه کتیبهٔ بالای درگاه که محل ثبت نام صاحب مقبره بوده ریخته و از بین رفته است این بنا هم مانند سایر مزارهای مراغه مدفن شخصی مجهول میباشد ولی از روی علامات باقیمانده دربالای هلال طاق نماها که عبارت ازشکل دوچوگان پشت بهم در داخل دایره‌ایست میتوان حدس زد که‌این بنا قبریکنفر از چوگانداران ازامرای ممالیك مصر باشد که بنابنوشتهٔ مورخین عرب درسال ۱۳۱۱هـ. (زمان سلطان ابوسعیدخان ۷۱۷ــ۷۳٦هـ) درمراغه فوت کرده است (کتاب آثار ایران ــ چاپ تهران درسال ۱۳۱٤ خورشیدی).

«امر بانشاء هذه القبة المبارکه فی ایام مولانا السلطان الاعظم ظل الله فی الارض... سلاطین العرب و العجم ابوسعید بهادرخان خلدالله ملکه ....»

این بنا هم مثل گنبد سرخ علاوه بر طاق گنبدی داخلی از خارج هم گنبدی داشته که تماماً ریخته و در وسط طاق نمای هریك از پهلوهای طرفین و عقب دو پنجره درمیان قاب مستطیلی از تزئینات تخمیری قرار گرفته است .

۹ ـ مسجد علیشاه تبریز
(۷۱٦ ـ ۷۳٦ هـ ـ ۱۳۱٦ ـ ۱۳۳۵ م)

مسجد علیشاه معروف به ارك که فعلا هم آثاری از آن درتبریز باقیمانده بنای با شکوهی بوده که بادستورومراقبت تاج الدین علیشاه وزیر غازان خان[۱] و مشارکت خواجه رشیدالدین فضل الله [۲] وزیر دیگر خان در فاصلهٔ سالهای ۷۱٦ - ۷۳٦ هجری (۱۳۱٦ - ۱۳۳۵م) ساخته شده است .

مسجد علیشاه که اکنون خراب شده دارای بلندترین منازه یابرج بوده و اگرچه درسالهای اخیر مرتبهٔ زیرین و برج آن تااندازه ای تعمیر شده باز خرابتر گشته وتودهٔ عظیم آجری آن ازمسافت دور دیده میشود .

این بنا سابقاً در وسط فضای بزرگی واقع واز اطراف محدود بدیوارها وباروها بوده که امروز تماماً ویران شده وازروی باقیمانده های این بنا معلوم میشود که درساختمان وآجرچینی آن مهارت واستادی خاصی بکاررفته است.

این مسجدسقف نداشته و بنای فعلی محراب بوده وعبارت است ازسه دیوار شرقی وجنوبی وغربی .

دهنهٔ طاق محراب سی وهشت قدم وارتفاع آن ازسطح کف محراب تا انتهای طاق درحدود ۲٦ متراست وبوسیلهٔ شصت و نه پله احداث شده بین دودیوار سمت شرقی میتوان بالای طاق رفت .

۱ـ محمود غازان خان (٦۹٤ـ۷۰۳ هـ ق) نخستین ایلخان است که سلطنت ایران وآسیای غربی راازامپراطوری بزرگ مغول مجزا ساخته وبحکومت خود استقلال بخشیده است.

۲ـ خواجه رشیدالدین فضل اله همدانی مصنف تاریخ (جوامع التواریخ) از فضلا و نویسندگان دورهٔ مغولی ایران ووزیر اولجایتو و فرزندش سلطان ابو سعید بهادر خان بوده است .

بالای طاق بعرض ۱/۷۰ متر غلام گردشی ساخته‌شده‌ومیان دو دیوارقسمت شرقی‌وجنوبی‌وغربی سه چهارمرتبه‌سقفها وطاقهای گچ وآجری زده ودیوارها را بالا برده و باچوبهای قطور ومیخهای‌آهنی استوار کرده اند .

در دورهٔ سلاطین‌قاجاریه چون ابنیهٔ اطراف این مسجد را برای‌سکونت قوای دولتی وانبار مهمات اختصاص داده بوده‌اند لذا باقیمانده آثار مسجد بنام ارك معروف شده است .

بعضی‌از مورخین‌وسیاحان‌ازجمله‌کاتب‌چیپنی مورخ مشهور عثمانی‌مولف کتاب جهان‌نما (چاپ استانبول-۱۳۴۵ هجری قمری) وشاردن سیاح‌معروف فرانسوی (درسال۱۰۸۴هجری تبریز را دیده) درتألیفات خود راجع بمسجد علیشاه تبریز چنین نوشته اند:

۱- از تاریخ جهان نما : مسجدجامع علیشاه منارهای بزرگی‌داشته که دراثر زلزله‌های متعدد وحملات قشون خارجی خراب وازبین‌رفته است .

۲- ازسیاحتنامهٔ شاردن : مساجد بزرگ‌تبریز آنچه بشمارآمده‌دویست وپنجاه‌است ازآنجمله‌یکی مسجد موسوم به‌مسجد علیشاه است که فعلاخراب میباشد وچندسال قبل مرتبهٔ تحتانی آنرا تعمیر نموده‌اند و مناره آنرا که بلندترین منارهای مساجد تبریز است نیز تعمیر کرده‌اند .

نادر میرزا صاحب کتاب «تاریخ تبریز» با نقل قول از مورخین دیگر ضمن شرح مفصلی در بارهٔ مسجد جامع علیشاه نوشته است :

«مسجد علیشاه - اکنون آنجا را (ارك) مینامند اساحهٔ دولت و غلات دیوانی راانبار است این مسجد راعلیشاه وزیر که جیلی یاجیلان لقب‌داشت بنیاد نهاد وی در امر وزارت غازان‌خان باخواجه رشیدالدین‌مشارکت داشت . بفرمان‌پادشاه عمارتی‌درتبریزنمود ودراتمام آن تعجیل کرد . چون گنبدآن مسجد عمارت کردند بنیان که تازه هنوز سخت نشده‌بودفرونشست وطاق بشکست» .

دراوایل دوران سلطنت‌اعلیحضرت رضا شاه‌بزرگ‌موقع احداث خیابان پهلوی (تبریز) محوطهٔ اطراف باقیماندهٔ این بنامبدل بباغ گشته ودر قسمت شرقی‌آن سالن نمایش ساخته شده واین باغ باسالن مزبور وقسمتی‌ازعمارت

(۱۲)

مشرف به‌خیابان درتحویل ومورداستفاده جمعیت شیر وخورشید سرخ‌تبریز میباشد .

۱۰ ـ محراب مسجد جامع مرند (۷۳۱ هـ ـ ۱۳۱۳ م)

مسجد جامع مرنداز بناهای‌سدهٔ هشتم هجری است که درنتیجهٔ‌تعمیرات مکرر بصورت بنای تازه‌درآمده وبنای اصلی نمیباشد وفعلا درپشت محوطهٔ عمارت جدید فرمانداری (گوشهٔ شمال شرقی چهارراه‌پهلوی) واقع است .

ازآثارقدیمی این مسجد فقط محرابی‌باقیمانده است که درسال ۷۳۱هـ ـ بامر سلطان ابوسعید بهادرخان بدست یك استادگچ بر و صنعتگر تبریزی ساخته‌شده‌است .

این محراب گچ بری شده (بعرض ۲/۷۵ متر و بلندی ٦ متر) در قسمت وسط طرف جنوبی واقع است که دردورتادور حاشیهٔ‌آن‌آیاتی ازقرآن مجید بخط کوفی گچ بری شده و کتیبهٔ تاریخی آن در هلالی بزرگی بالای قسمت اصلی محراب بشرح زیرخوانده میشود :

« جدد من فواضل الانعام السلطان الاعظم مالك رقاب الامم ابـو سعید بهادرخان خلداله ملکه فی‌احدی وثلثین وسبعمائه هجریه»

درفاصلهٔ دوستون نام سازندهٔ محراب بخط رقاع بشرح زیر نوشته شده است :

«عمل عبدالفقیر نظام بندگیر تبریزی»

باملاحظهٔ نوشته سنگی که دربالای دربشبستان‌جنوبی‌نصب شده‌چنین معلوم میشود که درسال ۷٤۰ هجری خواجه حسین نامی امربه تجدیدوتعمیر مسجد نموده وچون دراین تعمیرات وضع اولیه بکلی تغییریافته لذامیتوان گفت که‌ازساختمان‌اصلی مسجدجامع مرندبجزمحراب گچ‌بری ظریف اثری دیگر باقی نمانده‌است .

۱۱ ــ مسجد کبود تبریز
(۸۷۰ هـ ــ ۱۴۶۵ م)

مسجد کبود تبریز که به لهجهٔ محلی (گوی مسجد) گویند از ابنیهٔ دوران حکمرانی جهانشاه پسر قرایوسف ترکمان وسومین پادشاه سلسلهٔ قراقویونلو است.

این مسجد که یکی از آثار وابنیهٔ عالی و باعظمت واز یادگارهای قرن نهم هجری است و نمونهٔ بارزی ازهنراستادان و صنعتگران ماهر و هنرمندان ایران بشمار میرود درنتیجهٔ عدم توجه وآسیبهای وارده از طرف مردم‌نادان وبیعلاقه ودراثر زلزله‌های مکرر بصورت خرابه‌ای افتاده وبوضع کنونی‌در آمده است.

بانی این بنا صالحه دخترجهانشاه[1] است‌ودردورهٔ آبادی این‌بنارامسجد یا عمارت مظفریه (بنابه نوشتهٔ کتیبهٔ موجوددرپایه شرقی طاق سردرشمالی) یابنام فیروزهٔ اسلام مینامیدند واین نام‌گذاری بمناسبت رنگ‌کاشیهای‌معرق ظریف نمای خارجی وقسمتهای داخلی‌آن بوده که اغلب رنگ فیروزه‌ای و کبود داشتند.

از مورخین وسیاحان ایرانی وخارجی هر کدام که این مسجد رادیده درتألیفات وسیاحتنامه‌های خود این بنارا باساختمانها و ملحقات زیادی و قبیل‌خانقاه وصحن‌وحوضخانه و کتابخانه بعمارت مظفریه نامیده وازعظمت و شکوه آن و سبك معماری وکاشیکاری قسمتهای مختلف تعریف و توصیف زیاد نوشته‌اند.

درباره وضع اصلی مسجد کبود تاورنیه‌سیاح فرانسوی که درسال ۱۶۴۶ میلادی(۱۰۵۶ھ) بایران‌مسافرت کرده درسفرنامهٔ خود چنین مینویسد:

---

۱ ــ جهانشاه پسر قره یوسف از امرای قره قویونلو که از سال ۸۴۱ الی ۸۷۴ ه (۱۴۳۷-۱۴۶۹ م) درآذربایجان وعراق وخراسان حکمرانی میکرده ودر اواخرسلطنتش بقصد حسن‌بیك (اوزون حسن‌آق قویونلو) بدیار بکرقشون کشی نموده و پس از کشته شدن بدست‌سواران حسن‌بیك جسد اورا به‌تبریز نقل ودرعمارت مظفریه (مسجد کبود) دفن کردند.

«درخارج شهرتبریزسرراه اصفهان مسجدی است بابنای عالی که کرسی آن هشت پله‌از کف زمین معبر بلندتر بوده ودر دوطرف نمای رو بشمال دو مناره مانند برج استوانه شکل کم قطر پوشیده ازکاشی ساخته شده . گنبد بزرگ این‌مسجد ازطرف داخل‌روی‌دوازده‌مجردی‌بناشده که شانزده‌مجردی هم ازخارج تکیه گاه‌آن است .

سطح داخلی گنبد و دیوارها با زیباترین کاشیهای الوان مزین گشته که حاوی کتیبه‌هائی‌ازآیات قرآن‌و گل‌و بوته‌ها ازکاشیهای‌فیروزه‌ای ولاجوردی و زرد و غیره است‌و ازاین گنبد داخل گنبد کوچکتری میشود که خیلی قشنگ‌تراز اولی است‌وسطح داخلی‌آن با کاشیهای معرق لاجوردی پوشیده شده است .

در اطراف محوطه زیر این گنبد سنگهای مرمر بزرگ بدیوار نصب شده که مایهٔ تعجب‌وحیرت‌است . سطح خارجی گنبد اول با گلهای سفید زمینه سبز وسطح گنبد دوم با ستاره های سفید روی زمینه مشکی پوشیده شده است .

روبروی‌مسجد درطرف دیگر معبر باقیماندهٔ بنای مخروبهٔ دیگری‌دیده میشود که گویا منزل شیخ یاامام جماعت مسجدبوده».

وضع فعلی مسجد کبود- ازبقایای ساختمان این‌مسجد که دال‌برعظمت معماری وزینت وکاشیکاری آن میباشد چند طاق شکسته درقسمت داخلی و سردر خارجی سمت شمال است .

دراغلب قسمتهای باقیماندهٔ مسجد کتیبه هائی با خط ثلث بسیار عالی از آیات قرآنی یا کاشی معرق و مقرنسهای نفیس و زیبائی دیده میشود که از شاهکار های عالی روزگار فرمانروائی دودمان قراقویونلو بشمـار میرود .

علاوه بر کتیبه‌های معرق ازآیات‌قرآنی دربسیاری ازطاق دیوارهاوروی پایه‌ها که‌باطرحهاو اشکال مرکب ازگل وبوته‌وکاشیهای معرق الوان‌پوشیده شده اسماءالله مانند :

یادائم‌الخیرات-یاانیس‌الغربا- یادائم‌النوال-یاحبیب‌الفقرا- یاکثیرالانعام یامنان- یابرهان- یااحد- یاصمد- یاعزیز- یاخلاق ..... با کاشی معرق سفید رنگ قرار گرفته است.

کلیه کتیبه های داخلی ازآیات قرآنی انتخاب وبخط ثلث سفیدرنگ طرح‌سازی وبامهارت تمام معرق‌کاری شده است بطوریکه‌درز معرقها باشکال معلوم وتماماً یکپارچه بنظر میرسد و فقط درقسمت داخلی طرفین پاطاق درب ورود فعلی مسجد در میان کاشیهای معرق دولوحی هریك تقریباً بطول پنجاه سانتیمتر روی کاشی مشکی باخط سفید معرق باقیمانده که‌تنها کتیبه فارسی دربنا بوده وحاوی دومصراع ذیل است:

درسمت‌شرقی: «کردار بیاروگرد گفتار مکرد»

درسمت‌غربی:«چون کرده شودکاربگویند که کرد»

شبستان کوچك بشکل کثیرالاضلاع هشت پهلو است که‌پهنای داخلی آن ۱۵/۵۰ متر وازاره دیوار هایش از سنگهای مرمر صاف بزرگ بارتفاع دومتر پوشیده ودرقسمت بالای آنها حاشیه‌مانند سوره (عم‌یتسائلون) را با خط نسخ برجسته حجاری کرده‌اند. قسمتی ازاین سنگها شکسته و ریخته بود که درتعمیرات سال ۱۳۱۹ خورشیدی اززیر خاك درآورده‌شد ودرکنار دیوارها نصب ونگاهداری شده است.

سطح خارجی دیوار های‌دوطرف بنا باکاشیهای معرق وتزئینات‌تخمیری (اشکال مرکب ازکاشیهای الوان‌معرق باتره آجرهای باریك وضخیم)پوشیده بوده که دربعضی ازقسمتها مخصوصاً دردیوار های سمت شرق آثاری باقی مانده و کلیهٔ بنا ازارهٔ سنگی دارد که از تخته سنگهای بزرگ تشکیل یافته است.

سطح جلوخان سردر بنا که روبشمال است هفت‌متر طول وپنج‌مترعرض دارد واز سطح کوچهٔ مقابل باندازهٔ پنج پلهٔ سنگی (هریك به‌بلندی ۲۰الی ۳۰ سانتیمتر) بلندتر است.

درپایه های دوطرف کـه بعرض ٤/۳۰ متر است در قسمتی به پهنای ۵۰ سانتیمتر کتیبهٔ اصلی بناباکاشیهای معرق سفیدرنگ (بمناسبت ازبین‌رفتن رنگ سفید قسمت عمدهٔ خطها برنگ آجری دیده میشود) روی متن لاجوردی بخط نسخ نصب شده و سطح بقیهٔ پایه ها با طرحها و اشکال مرکب از گل و بوته و کاشیهای معرق الوان پوشیده بوده که فعلا قسمتی ریخته ودرمیان آنها کلمات یادائم‌الخیرات ـ یاانیس‌الغربا ـ یادائم‌النوال ـ یاحبیب‌الفقرا ـ یاکثیرالانعام ـ یامنان ـ یابرهان.... باکاشی معرق سفیدرنگ قرار گرفته است.

درپایهٔ طرف غربی سردرآیـهٔ ۱۸ وآیهٔ ۱۹ ازسورهٔ توبـه قرآن مجید نوشته شده است ولی‌قسمتی ازاین کتیبه وخط وکاشیکاری‌قسمت بالای سردر بکلی ریخته واز بین رفته است.

درپایهٔ طرف شرقی عبارت زیر باقیمانده :

«...... الصلوة علی نبیه محمد والهٔ‌الطیبین..... عماره‌المبارکه المظفریه فی‌رابع ربیع‌الاول من‌سنه‌سبعین‌وثمانمائه ـ اقل‌العباد نعمةالله بن‌محمدالبواب»
(۸۷۰ هـ ـ ۱٤٦۵م)

درقسمت داخلی طاق زیر مقرنسها درطرفین ودر وسط کتیبه‌ای بنـام ودعای سلطان جهانشاه‌بن شاه‌یوسف موجود بوده که قسمت عمدهٔ آن‌ریخته وفقط کلمات چندی باقیمانده است.

تعمیرات انجام یافته ـ در سالهـای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ برای جـلوگیری از ریزش وخرابی بیشتر کتیبهٔ تاریخی وباقیماندهٔ آثارسردرتعمیراتی بادستور ادارهٔ کل باستانشناسی درقسمت جلوخان و پشت سر در بعمل آمده‌است.

ازسال۱۳۲۷شمسی‌ببعد طبق برنامهٔ تنظیم‌شده ازطرف‌ادارهٔ کل‌باستان‌ـ شناسی نسبت بتعدیر وهمچنین آجرچینی دیوارها و پایه‌ها و زدن طاقهـای

پوشش رواقهای غربی و شرقی وتهیهٔ ونصب قسمتی ازسنگهای بزرگ ازارهٔ دیوارهای خارجی بتدریج انجام یافته‌است .

امیداست باتوجه اولیاء محترم امورنسبت بادامهٔ تعمیرات ضروری جهت نگاهداری باقیماندهٔ کاشیکاریهای معرق این بنای مذهبی که یکی از آثار صنعتی و هنری ارزنده ومفاخر ملی است قدمهای مؤثری برداشته شود .